

برخلاف کریدور
واخان که چین را
از افغانستان جدا
می‌کند و به دلیل
آب و هوای
بسیار نامساعد
و مکان‌نگاری
(توپوگرافی) مهیب
که به سختی
می‌توان از آن
عبور کرد، مرزهای
چین با کشورهای
آسیای مرکزی را
نمی‌شود بست.
بنابراین پکن
دستور کار مقابله
با به اصطلاح
«سه نیروی شر»
جدایی طلبی،
تروریسم و
افراط‌گرایی
مذهبی را با
کشورهای
آسیای مرکزی
و با موفقیت
چشمگیری در
دستور کار خود
قرار داد و پیش
برد

وجود دارند، مانند جنبش اسلامی ازبکستان و هم در خارج از کشورها هستند که در میان آنها افغانستان بزرگ‌ترین مخاطره است.

اگر تروریست‌های افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی نفوذ کنند، این تهدید ممکن است از مرزهای طولانی و متخلخل آنها به سین‌کیانگ سرایت کند. برخلاف کریدور واخان که چین را از افغانستان جدا می‌کند و به دلیل آب و هوای بسیار نامساعد و مکان‌نگاری (توپوگرافی) مهیب که به سختی می‌توان از آن عبور کرد، مرزهای چین با کشورهای آسیای مرکزی را نمی‌شود بست. بنابراین پکن دستور کار مقابله با به اصطلاح «سه نیروی شر» جدایی طلبی، تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی را با کشورهای آسیای مرکزی و با موفقیت چشمگیری در دستور کار خود قرار داد و پیش برد.

پاکستان خاری در چشم مبارزه چین با تروریسم اویغور است. پاکستان به عنوان یکی از متحدان نزدیک چین از زمان تأسیس هر دو کشور در اواخر دهه ۱۹۴۰، به دلیل ایجاد پناهگاه امن برای افراط‌گرایان اسلامی از جمله طالبان و شبه‌نظامیان اویغور بدنام است. در سال‌های اخیر، چین هم قربانی حملات علیه کارکنان و زیرساخت‌های خود توسط افراط‌گرایان پاکستانی در بلوچستان یعنی جایی که کریدور اقتصادی چین - پاکستان (CPEC)، پروژه شاخص BRI، در حال توسعه است. پکن تلاش کرده است اسلام‌آباد را برای عقب راندن شبه‌نظامیان اویغور مستقر در مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت فدرال پاکستان در مجاورت افغانستان و حفظ امنیت پروژه‌های چینی در داخل کشور تحت فشار قرار دهد. با این حال، حملات تروریستی مکرر در بلوچستان و احیای مجدد طالبان در افغانستان، اعتماد پکن را به توانایی پاکستان در انجام این کار کاهش داده است.

راهبرد بزرگ

دومین عامل مؤثر بر سیاست چین در قبال افغانستان، جایگاه این کشور در راهبرد بین‌المللی فراگیر چین است. قبل از روی کار آمدن رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در اواخر ۲۰۱۲، افغانستان ربط چندانی با تفکر راهبردی بزرگ چین نداشت.

همان‌طور که در بالا ذکر شد، این موضوع وقتی اهمیت پیدا کرد که امنیت چین در معرض خطر قرار گرفت، درست مانند زمانی که در دهه ۱۹۸۰ شوروی به این کشور حمله کرد و در اواخر دهه ۱۹۹۰ جنگجویان اویغور را پذیرفت، اما با سختی بیشتری این کار را کرد. از سال ۲۰۱۳ دو تحول جدید، بر اهمیت افغانستان در سیاست چین افزوده است، هر چند هنوز هم این اهمیت محدود است.

اولین مورد همان‌گونه که پژوهشگر چینی، ژائو هوا شنگ اشاره می‌کند، برجسته شدن روزافزون دیپلماسی همسایگی یا پیرامونی [Zhoubian Waijiao] در سیاست خارجی چین است. [۵]. چین اولین همایش خود را در زمینه دیپلماسی در قبال کشورهای پیرامونی خود برگزار کرد. رئیس‌جمهور چین بر لزوم تلاش برای دستیابی به موفقیت در دیپلماسی همسایگی به منظور تضمین یک محیط منطقه‌ای مطلوب برای توسعه چین تأکید کرد. این همایش که با حضور نمایندگانی از حزب، دولت محلی و مرکزی، ارتش، شرکت‌های دولتی و هیأت دیپلماتیک برگزار شد، نقطه عطفی در ارتقای جایگاه دیپلماسی همسایگی در سیاست خارجی نوین چین بود. یان شوآونگ پژوهشگر برجسته چینی استدلال می‌کند که